



اردوغان و ملک سلمان از درد کدام سیلی ناله می‌کنند؟!

لفاظی‌های اخیر مقامات ترکیه و عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران به طور کم‌سابقه‌ای افزایش یافته است و مقامات این دو کشور با جیغ‌های بنفش خود در منطقه، خیلی زود همراهی و همسویی با مواضع ضد ایرانی رئیس جمهور جدید آمریکا را علنی کردند.

لفاظی‌های اخیر مقامات ترکیه و عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران به طور کم‌سابقه‌ای افزایش یافته است و مقامات ایرانی رئیس جمهور جدید آمریکا را علنی کردند.

در همین راستا اردوغان رئیس جمهور ترکیه که رویای احیای امپراطوری‌اش با کابوس کودتای نیمه شب تعبیر شده و دستاوردهای او در عراق و سوریه شکست به معنای واقعی کلمه است، اواخر بهمن ماه به سه کشور بحرین، عربستان و قطر سفر کرد و در این سفر بارها علیه ایران موضع گیری‌هایی خصمانه داشت.

ملک و سلمان پادشاه بیمار و درمانده سعودی نیز که رویای تسلط بر یمن را داشت و این روزها از ترس موشک‌های یمنی حتی در کاخ‌های سلطنتی خود نیز امنیت و آسایش ندارد، در تماسی تلفنی با رئیس جمهور جدید آمریکا ادعاهای وی درباره نقش بی‌ثبات‌کننده ایران در منطقه را تکرار کرد.

اوج لفاظی‌های ترکیه علیه ایران در کنفرانس امنیتی مونیخ بود. آنجا که مولود چاوش‌اوغلو، وزیر امور خارجه این کشور با مطرح کردن ادعاهایی بی‌اساس گفت: «ترکیه مخالف هر نوع تقسیم‌بندی دینی یا طایفه‌ای است. ایران متأسفانه به اقدامات نفرت‌آمیز طایفه‌ای ادامه می‌دهد و به فرصت صلح در خاورمیانه ضربه می‌زند. ایران با دخالت در یمن، بحرین و عربستان سعودی، ثبات منطقه را برهم می‌زند. ایران تلاش می‌کند سوریه و عراق را به دو کشور شیعی تبدیل کند».

همچنین بعد از دیدار بن علی بیلدیریم، نخست وزیر ترکیه با مایک پنس، کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرد: رهبران آمریکا و ترکیه درباره اینکه چگونه تروریسم داعش را شکست دهند و ایران را مهار کنند، رایزنی و گفتگو کرده‌اند. کاخ سفید مدعی شد: معاون رئیس جمهور آمریکا و نخست وزیر ترکیه همچنین موافقت کردند که اجازه ندهند ایران به ثبات منطقه آسیب و لطمه وارد کند. دو طرف راهکارهای مربوط به تسریع تلاش‌ها برای شکست داعش را بررسی کرده‌اند.

وزیر خارجه سعودی هم سه روز پی در پی است که به لفاظی خود علیه ایران ادامه می‌دهد و در آخر هم از اعزام نیروی زمینی به سوریه خبر داده است. ادعایی که بارها از سوی ریاض مطرح شده و بلوفی بیش نیست. به نظر می‌آید که پس از نامه امیر کویت و سفر روحانی به دو کشور منطقه، چیزی در سبب سعودی‌ها قرار نگرفته است و شکست سیاست‌های آنان در سوریه، یمن، لبنان و عراق همچنان ادامه دارد.

تشکیل بلوک

عربی-ترکی

همچنین به عقیده بسیاری، دیدارها و مواضع اخیر اردوغان و دیگر مقامات به معنای ایجاد یک صف جدید علیه ایران می‌باشد. در واقع سخن بر سر تشکیل یک پیمان نظامی همانند ناتو با همراهی رژیم جعلی اسرائیل، آمریکا، انگلیس و ترکیه است که هدف از آن مقابله با جمهوری اسلامی است. ظاهراً این سیاستی است که دولت ترامپ برای مقابله با بحران‌های خاورمیانه و صورت‌بندی جدید منطقه طراحی کرده است.

البته مقام‌های ترکیه بارها در جریان بحران سوریه مواضع متناقضی را از خود نشان داده‌اند و رنگ عوض کرده‌اند اما اینکه در این مقطع زمانی بار دیگر چنین مواضع سستی از خود بروز می‌دهند و با نمک‌نشناسی حمایت ایران از دولت اردوغان را در جریان کودتای اخیر نادیده می‌گیرند چیزی جز امید داشتن به ترامپ برای عوض کردن صحنه و دنبال کردن سیاست‌های نوعثمانی نیست.

عربستان در باتلاق یمن

عربستان هم از این سیاست‌ها مبرا نیست، رژیم آل سعود هم در طول چند سال گذشته نقش مهمی در

حمایت مالی و تسلیحاتی گروه‌های تروریستی داشته است که این سیاست‌ها سودی برای این کشور نداشت.

عربستان از دو سال پیش هم آغازگر جنگی در یمن است تا دولتی دست‌نشانده را به قدرت برساند و در چارچوب این هدف از هیچ جنایتی همچون کشتار کودکان و به کار بردن سلاح‌های ممنوعه و بمباران زیرساخت‌های اقتصادی، بیمارستان‌ها، مدارس و اماکن مسکونی ابایی نداشته است اما نتیجه بیش از دو سال تجاوز نظامی هیچ دستاوردی نداشته و روز به روز بر دامنه مقاومت ملت یمن علیه متجاوزان افزوده می‌شود و پرونده جنایت جنگی سعودی‌ها در مجامع بین‌المللی در حال سنگین‌تر شدن است.

سعودی‌ها در داخل هم با مشکلات عمده‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند که بخشی از آن نتیجه ساختار تمامیت‌خواه سیاسی وابسته این کشور، بخشی ناشی از سیاست‌های فرقه‌ای و تبعیض علیه اقلیت‌ها و بخش دیگر نیز ناشی از سیاست‌های نظامی‌گری در سایه کاهش قیمت نفت و تبعات آن بر ساختار اقتصادی این کشور است.

بنابراین سعودی‌ها ساده‌ترین راه را برای فرار از تبعات سیاست‌های خود در پیش گرفته‌اند و مقام‌های کوتاه‌بین این کشور تصور می‌کنند با اتهام زدن به ایران می‌توانند مشکلات خود را حل نمایند. آنها حتی این لکه ننگ را بر خود هموار کرده‌اند که علیه یک کشور اسلامی و ملت مسلمان آن، با رژیم صهیونیستی متحد شوند. ظاهراً ترکیه و عربستان پس از ورود ترامپ به کاخ سفید و عربده‌های توخالی وی، تصور می‌کنند لفاظی و یاوه‌گویی علیه ایران می‌تواند ورق را برگرداند و آنها را از پیامدهای شکست سیاست‌های منطقه‌ای و شان برهاند اما غافل از اینکه ترامپ به عربستان به مانند گاو شیردهی می‌نگرد که فقط به دوشیدن شیرش اکتفا خواهد کرد و هرگز نظامیان آمریکایی را با تجربه از جنگ عراق و افغانستان پای در میدانی نخواهد گذارد که به هیچ‌وجه قابل مقایسه با دو میدان قبلی نیست. از همین رو بود که ترامپ چند روز قبل گفت شیوخ عرب چیزی جز پول ندارند.

ترکیه نیز در داخل با بحران‌های سیاسی و اقتصادی و امنیتی شدیدی روبروست، در خارج از مرزهایش هم که در سوریه با چالش اتحاد آمریکا و کردهای سوری روبروست و قطعاً نزدیکی ترامپ به آنکارا تاکتیکی خواهد بود و چالش نیروهای گریز از مرکز و حمایت آمریکا از این نیروها معمای است که هیچ‌گاه آنکارا آن را نخواهد توانست به تنهایی حل نماید.

ماهگیری رژیم صهیونیستی از آب گل‌آلود منطقه

رژیم صهیونیستی نیز که آتش‌بیبار معرکه است و نخست وزیرش اخیراً از قریب‌الوقوع بودن صلح میان این رژیم با اعراب گفته و اعلام کرده که اعراب برای مقابله با ایران، اسرائیل را هم‌پیمان خود می‌دانند نیز به خوبی می‌داند که اگر دست از پا خطا کند باید با موجودیتش خداحافظی نماید. این رژیم همین چند وقت پیش از ترس عملیاتی شدن تهدید سید حسن نصرالله دبیرکل جنبش حزب‌الله لبنان مبنی بر هدف قرار دادن مخازن آمونیاک حیفا، سعی کرد این مخازن را به نقطه دیگری منتقل نماید و البته چند روز بعد نصرالله اضافه کرد اگر رژیم صهیونیستی دست از پا خطا کند نیروگاه هسته‌ای دیمونا هدف قرار خواهد گرفت. اقدام تل‌آویو به انتقال مخازن آمونیاک حیفا که با شکست روبرو شد به خوبی نشان می‌دهد که این رژیم به چه میزان آسیب‌پذیر است و اینجاست که مقام‌های ترکیه و عربستان باید به خوبی بدانند که بر روی دیواری یادگاری می‌نویسند که فرو ریختنش به مویی بند است و پیش از حرف زدن بسنجند که چه می‌گویند و این توهم را نداشته باشند که دعوت ایران به رعایت حق همسایگی و رفع تنش، به علت نگرانی بوده، بلکه به این سبب است که جمهوری اسلامی فقط رژیم جعلی اسرائیل را به عنوان تنها دشمن مشترک جهان اسلام می‌شناسد و تمامی همتش برای حفظ عزت کشورها و ملت‌های اسلامی است.

نمونه بارز آن نیز جمع نمودن نخبگان جهان اسلام از 80 کشور در تهران و برگزاری کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین است، در شرایطی که این دو کشور مدعی حمایت از فلسطین ادبیاتشان را با رژیم کودک‌کشی صهیونیستی هماهنگ می‌کنند، جمهوری اسلامی ایران همچنان و با اقتدار پرچمدار حمایت از مردم مظلوم فلسطین است و ملت‌های منطقه را به کنار گذاشتن اختلافات داخلی و وحدت حول محور فلسطین و آرمان قدس شریف دعوت می‌کند.

سر و صدای این روزهای آنکارا و ریاض عجیب و غیرمنتظره نیست. برخلاف ظاهر جنجالی و تهدیدآمیز آن، این صدای ناله ناشی از سیلی‌ای است که جریان مقاومت به گوش طرح‌های تجاوزکارانه آنها در منطقه نواخته است. البته جمهوری اسلامی ایران پخته‌تر و عاقل‌تر از آن است که در این هیاهو، دشمن اصلی را گم کند. دشمن اصلی اسلام و مردم منطقه آمریکا و فرزند نامشروع آن یعنی رژیم جعلی اسرائیل هستند و هم‌اورد اصلی جریان مقاومت با محوریت ایران، این دو دولت محسوب می‌شوند نه آنچه‌های آنها.